

بیانیه ای در سومین سالگرد تولد جنبش سبز اعتراض حق مردم است



مشروطه خواهی، تا نهضت ملی شدن نفت، از قیام پانزده خرداد تا انقلاب اسلامی، و از حماسه دوم خرداد تا خیزش عمومی ۲۲ خرداد و تداوم آن در جنبش سبز، خواسته‌های ملی بوده و هست؛ مطالباتی که تقلیل و تعطیل پذیر نیستند. ایرانیان می‌دانند که بهروزی آنان در گرو تحقق این چشم‌اندازهاست. مردم آگاه و آزاده‌ی ایران نیک می‌دانند که بدون آزادی، عدالت دست نیافتنی است؛ بدون عدالت نمی‌توان پیشرفت کرد؛ بدون پیشرفت نمی‌توان به استقلال رسید؛ بدون حاکمیت قانون، هرج و مرج و خودکامگی چیره خواهد شد؛ و بدون رعایت لوازم حاکمیت ملی، اقتدار گرایان اراده خود را با سلاح و سرکوب و تهدید و دروغ، بر اکثریت تحمیل خواهند کرد. مردم اخلاق‌گرای ایران به نیکی می‌دانند که هیچ‌یک از پیامبران الهی مردم را به پذیرش خودکامگی و ظلم و فقر و بردگی فرخوانده‌اند. مردم آگاه ایران می‌دانند که در زمانه‌ای که زندگی بهتر در گرو تحقق این آرمان‌هاست، ناچارند از میان تسلیم شدن در برابر انحطاط و سقوط کشور و تلاش برای تغییر و اصلاح امور یکی را انتخاب کنند؛ و حرکت سه ساله‌ی اخیر آنان نشان داد که با وجود همه‌ی تهدیدها و سختی‌ها دومی (تغییر وضع نامطلوب کنونی) را انتخاب کرده‌اند.

۳- «جنبش سبز» یک جنبش است و نه یک حزب. این بدان معناست که انتظار شکل‌گیری تشکیلات و سازماندهی هرمی که در اغلب احزاب به کار گرفته می‌شود، برای ساماندهی تشکیلاتی جنبش نابجاست. جنبش‌ها از سازماندهی‌های متناسب با شرایط خود بهره می‌برند. جنبش سعی در گسترش قاعده هرم و نزدیک ساختن آن به رأس دارد تا زمینه را برای حضور فعال همراهان و احترام به تکثر و تنوع هرچه بیشتر فراهم سازد. از همین روست که کمک به گسترش هسته‌های خودبنیاد همواره در دستور کار شورای هماهنگی راه سبز امید بوده است. آنچه این هسته‌ها را ماندندانه‌ای تسبیح به یکدیگر متصل می‌کند و هویتی واحد می‌بخشد، اشتراکات حداقلی است که در منشور راه سبز امید (مورد تایید آقایان موسوی و کروبی) تبیین شده است. همین ظرفیت است که امکان فراگیری هرچه بیشتر جنبش و دربرگیری گسترده‌ترین طیف تنوع و تعدد را برای آن فراهم ساخته است. در همین راستا، شورای هماهنگی راه سبز امید یکوشیده در شانزده ماهی که از فعالیت آن می‌گذرد، بطور فزاینده‌ای نامتجانسان و رابطان گروه‌ها و تشکله‌ها و جریان‌های بیشتری را به همکاری و همفکری و همگامی دعوت کند.

۴- جنبش‌های اجتماعی، شیوه‌های گوناگونی را برای پیشبرد اهداف خود به کار گرفته می‌گیرند. این گونه، گاه مانند ۲۵ خرداد به نشانه‌ای اعتراض به کودتای انتخاباتی به خیابان می‌آییم، و گاه مانند ۱۲ اسفند به نشانه‌ی مهندسی انتخابات مجلس و بی‌شان و منزلت شدن آرای مردم در خانه می‌مانیم. گاه با نمادهای سبزمان حضور و بروزمان را به یکدیگر یادآوری می‌کنیم، و گاه در اعتراض به سيطره‌ی روزافزون ارگان‌های نظامی-امنیتی، مصرف کالاها و خدمات آنها را تحریم می‌کنیم. گاه حلقه‌های کتابخوانی تشکیل می‌دهیم، و گاه با کمک به توزیع نسخه‌های تک برگ‌ی روزنامه‌های اینترنتی سبز به بسط آگاهی می‌پردازیم. راه سبز امید، شیوه زندگی است و نفس در راه بودن، پیروزی است.

۵- از همان روزهای نخست پیدایش، جنبش سبز بر مسالمت‌آمیز بودن مبارزه‌ی خود تأکید داشته و دارد. با وجود اذعان به وجود نواقض و معضلات در قانون اساسی، به تلاش برای بالفعل کردن ظرفیت‌های مردم‌سالارانه‌ی آن معتقدیم. همین اعتقاد است که همراهان جنبش سبز را از دو جریان متمایز می‌کند؛ نخست، کسانی که هنوز در اندیشه‌ی بازگرداندن قدرت موروثی مادام‌العمر غیرپاسخگو هستند، و گروه دیگر، آنانی که به اعمال خشونت تکیه می‌کنند و استفاده از هر وسیله‌ای را برای رسیدن به اهدافشان مجاز می‌دانند. به تجربه‌ی سرگذشت بشریت و تاریخ دور و نزدیک میهنمان دریافته‌ایم که خشونت، خشونت می‌آورد و بستر تحول تدریجی دارای دستاوردهای ماندگار را از میان می‌برد. افزون بر این، خشونت، ابزار دست

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه‌ی ای به مناسبت سومین سالگرد جنبش سبز از افشار مختلف مردم دعوت کرد در اعتراض به دشواری‌های روزافزونی که دولتمردان اقتدارگرا و ناکارآمد بر سر راه زندگی آزاد و توأم با کرامت ایرانیان پدید آورده‌اند، بین ساعت ۹ تا ۷ شامگاه پنجشنبه ۲۵ خرداد در اماکن عمومی و به ویژه پارک‌های اصلی شهرها تجمع اعتراضی سکوت برگزار کنند. متن کامل این بیانیه را با هم می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم
«خداوند به کسانی از قوم شما که ایمان آورده و اعمال نیک انجام داده‌اند وعده کرده است که حکومت روی زمین را نصیب آنها خواهد فرمود، همچنان که پیشینیان آنها را عطا فرمود.» (آیه ۵۵ سوره نور)

هموطنان عزیز، همراهان سرافراز
سه سال پیش در چنین روزهایی با حضور میلیون‌ها شهروند، حرکتی عظیم آغاز شد که به تولد جنبش سبز انجامید. جنبش سبز مبتنی بود بر حرکتی مدنی و خواست عمومی برای تحول در شیوه اداره کشور با رأی به نامزدهای انتخاباتی تغییرخواه. اکثریت چشمگیری از مردم، سیاست‌های ماجراجویانه، فریبکارانه و فاقد پشتوانه عقلانی دولت نهم را برای توسعه و پیشرفت کشور و رفع مشکلات روزافزون مردم مناسب نمی‌دیدند. شهروندان تغییرخواه ادامه دولت اقتدارگرا و ناکارآمد و بی‌کفایت احمدی‌نژاد را موجب ورشکستگی اقتصاد، فروپاشی اجتماع، انزواي بیش از پیش بین المللی، عمیق‌تر شدن شکاف میان فقیر و غنی، افزایش تورم، بسط بد نهادهای نظامی و امنیتی و محدودیت بیشتر آزادی‌های قانونی می‌دانستند. دل نگرانی‌هایی که گذشت زمان، واقعی بودن آن و بصیرت و دوراندیشی تحول خواهان و کوه اندیشی و بی‌بصیرتی اقتدارگرایان را به اثبات رساند. حاکمان شیفته و تشنه قدرت اما با پافشاری بر درک غلط خود، تغییر را با منافع خود در تضاد دیدند؛ آنان صندوق‌های رأی را از کارایی خود تهی و به ابزار کودتای انتخاباتی تبدیل کردند. نتیجه این خیانت در امانت، اعلام آمار و اعداد خودساخته و نادقیق به‌عنوان نتیجه انتخابات، به‌جای رأی مردم بود. مقاومت نامزدهای غیرحکومتی و خشم مردمی که می‌دیدند ر آیشان چگونه به سرقت رفته و شعورشان چگونه مورد تمسخر گردانندگان انتخابات قرار گرفته، میلیون‌ها معترض را در نقاط مختلف کشور به خیابان‌ها کشاند. اقتدارگرایان اما به جای تصحیح روش نادرست خود، با تحقیر مخالفان، انتصاب آنها به قدرت‌های یگانه، دستگیری و سرکوب خشونت بار شهروندان معترض و بازداشت گسترده‌ی فعالان سیاسی و مطبوعاتی، به حراست از کودتای انتخاباتی خود پرداختند. حاکمیت اقتدارگرا و سرکوبگر، کنش مدنی و اعتراض و پرشش مردم را انقلاب مخملی و فتنه نامید تا کودتای انتخاباتی و فتنه‌ی خود را با تبلیغات و تحریف حقیقت، از چشم‌ها مخفی کند. دوستان و یاران دیروز به بی‌بصیرتی متهم شدند تا بی بصیرتی حاکمان پنهان شود. نظر رئیس دولت برآمده از کودتا از همه به خود نزدیک تر اعلام شد تا تأیید و حمایتی که تا آن روز فاش نمی‌شد، آشکار گردد. دست نیروهای سرکوب‌گر و خشونت پیشه و ارباب‌گر در تعرض به جان و مال و ناموس معترضان باز گذاشته شد تا بی‌پروای قانون و انسانیت و دین، مشت آهنین علیه شهروندان به کار افتد. اما چه سود که برده‌ها یک به یک فرو افتاد و امواج بیداری و آگاهی، هر گوشه و کنار این سرزمین را درنوردید. سه سال پس از کودتا، و به‌دنبال آشکار شدن ناکارآمدی، فجايع و فضايح دستگاه اداره کننده کشور، حقانیت مواضع جنبش سبز بیش از پیش پرفروغ می‌درخشد. با نزدیک شدن به سومین سالروز میلاد این جنبش مدنی و خشونت پرهیز، فرصت را برای بازخوانی چند نکته، مغتنم می‌شماریم:

۱- پیدایش جنبش سبز، تبلور خواست مردم ایران برای تغییر روندهایی است که کشور را از فرایندهای تصمیم‌گیری عقلانی و مبتنی بر منافع بلندمدت ملی، دور می‌سازد. کارنامه سه ساله دولت کودتا حاکی از گسترش بی سابقه فقر، فساد و تبعیض است که حاصل نقض بدیهی‌ترین حقوق شهروندی، گرانی و تورم و بیکاری، بر باد دادن سرمایه و ثروت ملی، جنگ قدرت و دغدغه‌ی حفظ خود و حذف رقیب به جای حل مشکلات کشور است. رهبران جنبش سبز بارها و بارها نسبت به درافتادن کشور به چنین وضعی هشدار داده بودند؛ ازجمله، مهندس میرحسین موسوی تأکید می‌کنند: «از این شرایط ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به‌سر میرود و اکثریتی از جامعه، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد. دولتی با پشتوانه‌های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بیبیدیری، قانونگریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیمگیری و تداوم سیاستهای ویرانگر اقتصادی نداریم، و بیم آن می‌رود که بر اثر ضعفهای بیشمار ذاتی و عارضیاش در ورطه امتیاز دادن به بیگانگان بیفتد.» (بیانیه شماره ۹)

۲- جنبش سبز، اهداف و آرمان‌های خود را در امتداد مطالبات یک‌صدساله‌ی اخیر مردم ایران زمین بازمی‌شناسد. استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت، حاکمیت ملی و حکومت قانون، از زمان شکل‌گیری نهضت

میرحسین موسوی: سبز بودن ما به این معنا نیست که همه را به رنگ خود در آوریم. سبز بودن، زیستن در کنار یکدیگر با درک تفاوت‌ها و اختلاف آرا و نظرات و سلايق یکدیگر است. آگاهی‌بخشی در عین مسالمت، موثرترین سلاح علیه خشونت و تفرقه و جهل است

اقتدارگرایی، خودکامگی و زورمداری است، و اینها همان چیزهایی است که به‌دنبال محو آنها از زندگی اجتماعی ایرانیان هستیم. برای دستیابی به اهداف‌مان، تنها از شیوه‌ها و روش‌ها و ابزاری که با آرمان‌های اخلاقی مدارانه‌ی جنبش سبز سازگار باشد استفاده می‌کنیم. با صندوق رأی قهر نمی‌کنیم، اما چنان‌که در منشور جنبش نیز آمده، تا بازگرداندن هویت و کارایی آن، و تا تحقق شرایط انتخابات آزاد و سالم و منصفانه و تعیین سرنوشت مردم به دست مردم، از تن در دادن به انتخابات نمایشی و فرمایشی و غیرآزاد سرباز می‌زنیم. درهای آشتی و گفت‌وگو را نمی‌بندیم، اما آن را نه به عنوان ابزاری برای تعامل غیرشفاف و تنزل از خواسته‌های مشروع و حقوق قانونی شهروندان، که به‌عنوان بستری برای تحقق مطالبات مردم شریف ایران ارزیابی می‌کنیم. برای آینده ایران، روزگاری عاری از انحصارطلبی و انتقام‌جویی در عرصه قدرت و بازگرداندن اقتدار به‌دست مردم آرزومندیم، و نیک می‌دانیم که صبر و امید و استقامت و پیگیری و تلاش مستمر، بزرگ‌ترین تضمین برای دستیابی به چنین فردایی است.

۶- همبستگی و همدلی، رمز موفقیت جنبش‌های مدنی است. باید یاد بگیریم که نقد به خود را برتاییم، و در عین حال نسبت به تلاش استبدادطلبان و دستگاه امنیتی- نظامی برای ایجاد تفرقه و اختلاف در میان همراهان جنبش سبز هوشیار بمانیم. شاید یادآوری مستمر یک نکته‌ی مهم به خودمان و دیگران مفید باشد که به جابجایی مرجعیت‌های اجتماعی در زمان ما مربوط می‌شود: این شهروندان آگاه و آزاده‌ی ایران نیستند که در هر مسیری که نخنگان و رهبران سیاسی نشان دهند حرکت خواهند کرد، بلکه برعکس، رهبران و نخنگان هستند که باید مراقب باشند از حرکت حق‌طلبانه‌ی مردم و خواست‌های مشروع و انسانی آنان، دور نرفتند.

۷- جنبش سبز، جنبشی اخلاق‌مدار است که به تعهد خود به موازین اخلاقی و بازگشت جامعه و حکومت به ارزش‌های اخلاقی نه به‌عنوان تاکتیک، که به‌مثابه‌ی استراتژی پایدار معتقد است. بسط عقلانیت جمعی اخلاق‌مدار در سراسر جامعه، راه را بر گسترش خرافه و دروغ و تقلب و خشونت خواهد بست. هر همراه جنبش سبز باید الگوی درخشان از پایبندی به موازین اخلاقی باشد. جنبش سبز، جنبش «دروغ ممنوع» است و همه‌ی مصیبت‌هایی را که جامعه‌ی ما امروزه بدان مبتلاست، ناشی از آلودگی به این ضدازش خائمان برانداز (دروغ و تحریف حقیقت) می‌داند.

۸- «آگاهی، چشم آفتابدار خودکامگان است». تأثیر شگرف آگاهی‌بخشی را طی سه سال گذشته به عیان دیده‌ایم. مدت‌هاست حتی کسانی که گمان می‌کردند دولتمردان در راه خدمت به مردم گام برمی‌دارند فهمیده‌اند که عرصه سیاست‌ورزی مسئولان چنان به جنگ قدرت، فساد و دروغ‌پردازی آلوده است که امیدی به سامان بخشی اوضاع اسفبار مملکت از آنان نمی‌توان داشت. از همین‌رو، بار دیگر لزوم تشکیک و گسترش شبکه‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف فکری، هنری، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن را به‌منظور آگاهی‌بخشی و همدلی و همفکری، مورد تأکید قرار می‌دهیم.

۹- شهدای عزیز جنبش سبز، پیشقراولان راه سبز امید بوده و خواهند بود؛ و زندانیان غیور جنبش که با پایمردی در راهی که آگاهانه انتخاب کرده‌اند، زندان‌های استبداد را به سرچشمه‌ی جوشان حرکت و سمبل صبر و مقاومت تبدیل کرده‌اند، هیچگاه از یاد مردم آزاده‌ی ایران نرفته و نخواهند رفت. شورای هماهنگی راه سبز امید به نمایندگی از همراهان جنبش سبز، مراتب احترام و قدردانی خود نسبت به آنان و خانواده‌های گرامی ایشان تقدیم می‌نماید.

۱۰- بخش عظیمی از ایرانیان در نتیجه‌ی سیاست‌های نادرست و نسنجیده‌ی گردانندگان حکومت، روزهای سخت و تلخی را سپری می‌کنند. گرانی، کمر بیشتر شهروندان را خم کرده و موج بیکاری روزافزون، شالوده خانواده‌های ناب‌خوردار را تهدید می‌کند. سفره‌هایی که قرار بود با وعده‌ی فریبکارانه آوردن نفت بر سر آن رنگین‌تر گردد، روز به روز تهی‌تر می‌شود. نابسامانی در بخش درمان و سلامت، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، تنزل کیفیت مواد غذایی و مانند آن، زندگی روزمره‌ی شهروندان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان را منت‌بار نموده است. بودجه‌های سرگردان کشور به جای آن که صرف بهبود وضع مردم ایران شود، در داخل و خارج از کشور برای طرح‌های هزینه‌ی می‌شود که بیش از آن که سودی برای بهروزی ایران و ایرانیان داشته باشد، به استحکام پایه‌های لرزان قدرت اقتدارگرایان نظر دارد. این حق مردم ماست که نسبت به این وضعیت بحرانی نگران باشند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند. از همین‌رو از افشار مختلف مردم در نقاط گوناگون کشور دعوت می‌کنیم در اعتراض به دشواری‌های روزافزونی که دولتمردان اقتدارگرا و ناکارآمد بر سر راه زندگی آزاد و توأم با کرامت ایرانیان پدید آورده‌اند، بین ساعت ۷ تا ۹ شامگاه پنجشنبه بیست و پنجم خرداد در اماکن عمومی و به‌ویژه پارک‌های اصلی شهرها تجمع اعتراضی سکوت برگزار کنند؛ باشد که حاکمان اقتدارگرا و بی‌کفایت به خود آیند.